



نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی

سال دوم / شماره پنجم / پاییز ۱۳۹۹



تأثیرات تمدنی مسجدالاقصی از آغاز دوره اسلامی تا قرن هفتم هجری

مرتضی موسوی^۱ / حامد قرائتی^۲

(۷۶ - ۹۶)

چکیده

محدود نماندن بر ویژگی‌های عبادی نهاد اجتماعی مسجد و بررسی نقش آفرینی تمدنی آن، خواهد توانست علاوه بر امکان آسیب شناسی جایگاه، هویت و تاثیرگذاری آن، فرصت‌ها و استعدادی مغفول این مکان پرمخاطب دینی را بدست دهد؛ لذا این تحقیق با بررسی منابع روایی و تاریخی، درصدد توصیف و معرفی جایگاه تمدنی مسجدالاقصی به عنوان میراث مشترک بینادیانی در قلمرو زمانی قرن نخست اسلامی تا قرن هفتم می‌باشد که پس از معرفی جایگاه تمدنی بیت المقدس و مسجدالاقصی در دوره پیش‌گفته به تبیین رویکردها، دستاوردها و تاثیر تمدنی این مسجد در جامعه اسلامی در دو حیطه مناسبات داخلی و خارجی جهان اسلام، خواهد پرداخت. از نتایج این تحقیق، تبیین نقش این مسجد در صیانت از میراث تمدنی سایر ادیان، همچنین تحلیل روابط دولت‌های اسلامی با یکدیگر و دولت‌های مسیحی است، محدوده‌ای که بررسی تمدنی آن، می‌تواند ما را در تنظیم سیاست‌های انسجام‌بخش میان ملل مسلمان با محوریت آموزه‌ها و نمادهای مشترک یاری رساند.

واژگان کلیدی: مسجد الاقصی، اسلام، تمدن، مناسبات داخلی، مسیحیت و بیت المقدس.

۱- دانش آموخته حوزه و دکتری معارف اسلامی دانشگاه پیام نور واحد قم (نویسنده مسئول) - sm.mosavi1445@gmail.com

۲- دانش آموخته حوزه، دکتری شیعه شناسی و عضو گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (ع) - gharaati_1359@yahoo.com

مقدمه

مسجد الاقصی به دلیل هویت تاریخی و قداست خاصی که برای ادیان بزرگی چون یهودیت، مسیحیت و اسلام دارد از یک طرف محل تلاقی، بروز و ظهور مناسبات تمدنی و در بر دارند میراث تمدنی ادیان، اقوام و دولت های مختلف و از طرفی دیگر و در موارد متعدد، موضوعی جهت تخاصم و تنش های تمدنی بوده است. عهده داری تولیت مسجد الاقصی و اشراف بر شهر بیت المقدس نه تنها بین ادیان مختلف بلکه بین مذاهب و دولت مردان اسلامی نیز، موضوعی مورد تنازع بوده و در مقاطعی که خلافت اسلامی دارای مدعیان متعددی بود، اشراف بر مسجد الحرام و بیت المقدس ملاک مشروعیت یا مقبولیت هر یک از خلافت ها دانسته می شد. در این تحقیق سعی شده است با استفاده از روش گردآوری کتابخانه‌ای و رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع روایی و تاریخی و در نظر گرفتن شرایط و بسترهای اجتماعی، به تبیین جایگاه مسجد الاقصی و مشاهد مرتبط با آن در مناسبات و تحولات اجتماعی و تمدنی از ابتدای عهد اسلامی تا قرن هفتم پرداخته شود. اهمیت این دوره به دلیل نقش آفرینی دولت ها و سلسله های اسلامی با خاستگاه ها، روش ها و منابع معرفتی و مشروعیتی مختلف از جمله، خلفای راشدین (۱۱-۴۰)، امویان (۴۰-۱۳۲)، عباسیان (۱۳۲-۶۵۶)، آل بویه (۳۲۲-۴۴۸)، فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷) و ایوبیان (۵۶۷-۶۴۸) بوده و در همین دوره است که تسلط بر مسجد الاقصی به موضوعی محوری در مناسبات سیاسی دولت مردان مسلمان با دولت های غرب مسیحی تبدیل شده است. مسجد الاقصی به ویژه در تاریخ معاصر به دلیل حاکمیت رژیم اشغالگر قدس، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران در موضوعاتی چون فضایل دینی، پیشینه و هویت تاریخی مسجدالاقصی و یا تحولات صرفاً سیاسی و در قالب آثار ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

مقاله مسجد الاقصی در گذرگاه تاریخ (رهبریان، ۱۳۸۲: ۶۹) مقاله تاریخ معماری مسجد الاقصی (علی نقیان، ۱۳۸۸: ۳۸) مقاله تقدس بیت المقدس در اسلام (توئمی منصور، ۱۳۸۵: ۳۶) مقاله شرافت کعبه و برتری آن بر بیت المقدس (امینی، ۱۳۷۲: ۴) کتاب پیامبران در مسجد الاقصی (ماجرافو، ۱۳۸۹: صفحات مختلف) علمای شیعه و دفاع از قدس شریف (پاک نیا، ۱۴۳۳: ۱۵۵) کتاب تاریخ مجموعه مسجد الاقصی (موسی غوشه، ۱۳۹۰: صفحات مختلف) کتاب شهر مقدس (شاه حسینی، ۱۳۸۸: صفحات مختلف) کتب بیت المقدس و مسجد الاقصی (معصومی، ۱۳۸۰: صفحات مختلف) کتاب بیت المقدس و مسجد الاقصی در اسناد تاریخی موثق (محمد حسن

شراب، ۱۴۱۱: صفحات مختلف) کتاب قدس شریف و مسجد الاقصی (حسینی شیرازی، ۱۳۸۷: صفحات مختلف) و پایان نامه مسجد الاقصی و جایگاه آن در قرآن و روایات (حبیبی، ۱۳۸۷: صفحات مختلف) انتشار یافته اند. با توجه به آثار موجود، آنچه انجام این پژوهش را ضرورت می بخشد، بررسی نقش تمدنی مسجد الاقصی در مناسبات داخلی ملت ها و دولت های اسلامی از طرفی و بین دولت های اسلامی با سایر دولت ها از طرف دیگر است. رویکردی که در آثار موجود به صورت مستقل کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

هویت و میراث تمدنی حرم شریف و مسجد الاقصی

حرم شریف، مجموعه ای متشکل از مسجد الاقصی، مسجد قبه الصخره، قبه المعراج، قبه السلسله، قبه الجبرئیل و سایر مشاهد و آثار منتسب به انبیاء و اولیای الهی و تقدیس شده توسط سه دین بزرگ اسلام، مسیحیت و یهودیت می باشد، چراکه به اعتقاد یهودیان «صخره» قبله و محل حج گزاری (عمری، ۱۴۲۳، ج ۳: ۴۶۰) به اعتقاد مسیحیان، محراب حضرت مریم (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۴۴) و مهد حضرت عیسی (ع) (هروی، ۱۴۲۳: ۳۳) و مسجد الاقصی که قبله گاه نخستین مسلمانان و محل عبادت انبیاء و اولیای الهی از جمله رسول گرامی اسلام (ص) است، (عمری، ۱۴۲۳، ج ۳: ۴۶۰) همگی از مشاهد مقدس می باشند، از این رو، با تکیه بر باور پیروان بسیاری از ادیان ابراهیمی محدوده حرم دارای تعاریف مختلفی است، به طوری که برخی آن را منحصر در مسجد الاقصی و برخی محدوده ای فراتر از شهر بیت المقدس و حتی برخی دیگر، محدوده ای وسیع و شامل برخی از شهرهای شام می دانند. (عمری، ۱۴۲۳، ج ۳: ۴۶۰) مسجد الاقصی و برخی دیگر از مشاهد حرم شریف، بارها و از ابعاد مختلفی در منابع اسلامی چون قرآن کریم، تفاسیر و متون حدیثی مورد قسم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۷۶) و توصیف قرار گرفته اند. آیاتی که به زندگی نامه، مقامات، رفتار و اقدامات انبیاء و اولیاء الهی در این مسجد پرداخته و یا به بیان و توصیف حوادث و رویدادهایی که در این مشاهد در گذشته رخ داده و یا در آینده و حتی موعد قیامت رخ خواهد داد. موضوعاتی چون:

- مهاجرت بنی اسرائیل به بیت المقدس به رهبری حضرت موسی (ع) (مائده: ۲۱) (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۴۸۳)؛

- عبور حضرت عزیر یا خضر از بیت المقدس و سؤال از معاد؛ (بقره: ۲۵۳) (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۲۱؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۱۶)؛

- عبادت حضرت مریم در مسجد الاقصی «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران: ۴۳) (طیب، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۹۶؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۵۸؛ فیض، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۳۶)؛

- خدمتگزاری حضرت مریم در مسجد الاقصی «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (آل عمران: ۳۵-۳۶)

- «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران: ۳۵ و ۳۶) (القمی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۰۱ و ۱۰۰؛ مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۷۹؛ کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۴۸)؛

- مائده آسمانی در محراب حضرت مریم (س) «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران: ۳۷) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۳۹ و ۷۴۰؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۸۲؛ سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱: ۲۷۱-۲۷۳؛ شیبانی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۶)؛

- تولد حضرت عیسی (ع) «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ» (مؤمنون: ۵۰) (ابن ادریس الحلّی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۳۷؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۸: ۳۷)؛

- بشارت داده شدن حضرت زکریا (ع) به تولد فرزندی به نام یحیی (ع) «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران: ۳۸ و ۳۹) (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۲، ج ۲: ۶۴۱)؛

- قضاوت های حضرت داود در مسجد الاقصی «وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضَمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ؛ إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ» (ص: ۲۱-۲۳) (طبرسی، ۱۴۲۱، ج ۳: ۴۳۲؛ محلی و سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۵۷؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۵۵۱)؛

- معراج رسول گرامی اسلام (ص) «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ» (اسراء: ۱) (القمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳-۵؛ فیض، ۱۴۱۵، ج ۳: ۱۶۶)؛

- ملاقات پیامبر اسلام (ص) با انبیاء و رسولان در رخداد معراج (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸: ۱۲۱)؛

- تغییر قبله مسلمین از مسجد الاقصی به سوی مسجدالحرام «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (بقره: ۱۴۴) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۱۸-۴۱۹)؛

- نكوهش ممانعت از بهره مندی مومنین از مسجد الاقصی « وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا » (بقره: ۱۱۴) (طوسی، ۱۴۰۹، ج: ۱؛ ۴۱۷؛ طبری، ۱۴۱۵، ج: ۱؛ ۶۹۶؛ الثعلبی، ۱۴۲۲، ج: ۱؛ ۲۶۱)؛

- فساد مجدد بنی اسرائیل در بیت المقدس و مسجد الاقصی « وَ قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا » (اسراء: ۴) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج: ۶؛ ۶۱۳)؛

- نفع صور قیامت در بیت المقدس یا صخره حرم شریف « وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ » (ق: ۴۱) (طوسی، ۱۴۰۹، ج: ۹؛ ۳۷۶؛ طبرسی، ۱۴۲۱، ج: ۳؛ ۴۲۳؛ فتال نیسابوری، بی تا، ۴۰۹)

به لحاظ کالبدی گرچه اغلب مسجد الاقصی را منحصر در مسجدی می دانند که از یک سو به کوه متصل بوده و در

قسمت جنوبی حرم واقع است اما مسجد الاقصی ایی که در منابع اسلامی از آن یاد شده، محدود به بنای مشخص شده مسجد نمی باشد. بلکه مجموعه ای مشتمل بر مسجد الاقصی، مسجد قبه الصخره، محل معراج رسول خدا(ص) و سایر مشاهد و قبه هایی است که حصار حرم آنها را در بر گرفته است. (محمدحسن شراب، ۱۴۱۱: ۸۴-۸۵) این تبیین همانند آنچه است که در مورد محدوده و تعریف فقهی یا مصطلح مسجدالحرام کرده اند و برخی آن را محدود به حدود فقهی مسجد و برخی آن را حتی شامل شهر مکه و یا محدوده حرم - حدفاصل میقات ها- دانسته اند. برخی، محدوده حرم شریف مسجد الاقصی در حال حاضر را بالغ بر ۱۴۰۹۰۰ متر مربع محاسبه نموده است. (محمدحسن شراب، ۱۴۱۱: ۶۶) محدوده حرم قدس در ادوار مختلف تاریخی توسعه یافته است. چنانچه بر اساس گفته های مقریزی (متولد: ۸۴۵) صخره بعدها به قبه الصخره شهرت یافت در بیرون محدوده حرم بوده و در زمان فتح بیت المقدس، خلیفه دوم با راهنمایی بزرگ مسیحیان و یا کعب الاحبار بر محل آن اطلاع یافته است. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج: ۴؛ ۴۰۸؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج: ۲؛ ۷۰۱-۷۰۳) صخره که توسط خلیفه دوم تبدیل به مسجد شده بود، پس از چند دهه یعنی در سال ۶۵ و توسط عبدالملک بن مروان به محدوده حرم اضافه شد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج: ۴؛ ۴۰۸) به غیر از حصاری که به حصار سلیمان شهرت دارد و تعیین کننده محدوده حرم است، حصاری نیز، محدوده شهر قدیم را مشخص می کند. این حصار توسط سلطان سلیم اول (متولد: ۱۵۲۰) در سال ۱۵۴۲ میلادی بنا شده است.

مسجد الاقصی در قرن هشتم و بر اساس توصیف شهاب الدین احمد بن یحیی العمری (متولد: ۷۴۹) در وسط شهر دایره شکل بیت المقدس و در میان حصاری واقع است که به حصار سلیمان خوانده می شود. این حصار علاوه بر مسجد الاقصی و قبه الصخره، مشاهد دیگری را نیز، در بر گرفته است، همچنن، در جهت شرق این مجموعه، کوهی بر حرم اشرف دارد و حد فاصل کوه و حرم منطقه ای است که به «وادی جهنم» یا «طور» شناخته می شود. (عمری، ۱۴۲۳، ج ۳: ۵۴۳) صرف نظر از مقام ها و مشاهدی که در پیرامون مسجد واقع اند، خود مسجد الاقصی نیز، دارای آثار و یادگارهای انبیاء (ع) و اولیای الهی و برخی از دولتمردان می باشد. مقام هایی که در مسجد الاقصی واقع اند عبارتند از: مقام جبرئیل (ع) (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۴۴) محراب حضرت زکریا (ع) (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۴۴) محراب حضرت مریم (س) (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۴۴) مقام سلیمان (ع)، (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۴۴) مقام مهد حضرت عیسی (ع)^۱ (هروی، ۱۴۲۳: ۳۳) و مقام رسول گرامی اسلام (ص) (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۴۴) با مقایسه توصیف هایی که از مسجد الاقصی در ادوار مختلف تاریخی ارائه شده می توان ساختمان این مسجد را بنایی با اصالت تاریخی و تطور ظاهری در نشانه ها دانست، تطوری که برخی بر اساس منابع و مستندات دینی و تاریخی، برخی دیگر در اثر تلاش دولت مردان برای به یادگار گذاشتن آثاری از خود در این مسجد به جا مانده (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۴۴) و برخی ریشه در اسطوره ها، داستان ها و در مستندترین حالت مبتنی بر منابع اهل کتاب و اسرائیلیات هستند. تقدس این اماکن نزد ادیان و مذاهب مختلف، دست به دست شدن تولید این مسجد توسط دولت مردان و ادیان مختلف و پیشینه و چیش جمعیتی شهر که متشکل از مسلمانان، یهودیان و مسیحیان است از عوامل مهم ظهور برخی از شعائر و نمادها دانسته می شود.

علاوه بر مسجد الاقصی، مسجد دیگری نیز، در داخل حرم واقع است که به «قبه الصخره» شهرت دارد. این مسجد که صخره ای را در بر گرفته است، گرچه در روز فتح بیت المقدس و توسط خلیفه دوم بنا نهاده شده است (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۶۳؛ حمیری، ۱۹۸۱، ۶۹) ولی از آن جهت که مشهد انبیاء (ع) (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۴۴؛ هروی، ۱۴۲۳: ۳۱؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۲: ۶۹۸) و بنا به نقلی، محل معراج رسول خدا (ص) بوده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۹۶) اهمیت اسلامی یافته است. عبد الملک بن مروان (۶۵-۸۶) در سال شصت و پنج هجری این مسجد را به حرم شریف ملحق نمود. (ابن

۱ - در زیر مسجد الاقصی اتفاقی است که گفته می شود محل نگهداری حضرت عیسی (ع) بوده است.

خلدون، ۱۳۶۳، ج: ۱، ۲۶۵) احترام این مسجد گرچه پیوندی وثیق با بنی اسرائیل و ادیانی چون صابئیت، یهودیت و مسیحیت دارد (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج: ۲، ۶۹۸-۶۹۹) اما به تدریج و البته با رخداد‌های تاریخی دارای اهمیتی بسزا در نزد مسلمین شده است. از مشاهد قبه الصخره اطاقکی در زیر صخره است که به اندازه قامت یک انسان ارتفاع دارد و به وسیله چهارده پله به آن، راه است (مقدسی، ۱۴۱۱، ج: ۱، ۲۳۹؛ هروی، ۱۴۲۳: ۳۱) عامه معتقدند این حجره که به ابعاد یازده قدم در چهارده قدم است (هروی، ۱۴۲۳: ۳۱) به واسطه حرکت صخره به وجود آمده است. (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۵۱) این اتفاق به اعتقاد برخی مدفن حضرت زکریا(ع) است. (هروی، ۱۴۲۳: ۳۱)

موقعیت قبه الصخره در حرم شریف به صورتی است که صخره در میان مسجد و مسجد در میان سکو و سکو در میان صحن واقع شده است (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۵۰) سکویی که مسجد بر آن بنا شده و با چهار مسیر پله ای به آن دسترسی پیدا می کنند به ابعاد سیصد و سی ارش^۱ در سیصد ارش و ارتفاع دوازده گز می باشد. (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۴۹) با تکیه بر گزارشات تاریخی سیمای ظاهری مسجد قبه الصخره در عصر حاضر تفاوت چندانی با بنای آن در قرون چهارم ندارد. چنانچه مقدسی (متولد: ۳۸۱) بنای کلی آن را یک عمارت هشت ضلعی با چهار درب ورودی زرین فام به نام های «باب القبله»، «باب اسرافیل»، «باب الصور»، «باب النساء» می باشد. تزیینات سردرهای ورودی به اهتمام مادر المقتدر خلیفه عباسی (متولد: ۳۲۰) صورت گرفته است. (مقدسی، ۱۴۱۱، ج: ۱، ۲۳۷) گنبد مسجد دارای سه پوسته است، نخست از لوح های نقاشی شده، دوم از تیرهای آهنین مشبک شده و سوم از لوح هایی چوبین پوشانده شده با صفحه های مسین زراندود. ارتفاع گنبد تا زمین یک صد ذراع است (مقدسی، ۱۴۱۱، ج: ۱، ۲۳۸) ساختمان مسجد قبه الصخره متشکل از هشت ضلع است که هر ضلع سی و سه ارش طول دارد (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۵۰) صخره ای که مسجد به پاس آن بنا شده، کبود رنگ و دارای شکلی نامنظم و محیطی به ابعاد صد گز^۲ می باشد (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۵۰) این صخره را که به قامت یک انسان ارتفاع دارد (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج: ۱، ۹۶) پنجره ای از مرمر احاطه کرده و از باقی شبستان متمایز شده است (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۵۱) مسجد قبه الصخره در زمان توصیف مقدسی (متولد: ۳۸۱) ماهانه

۱- معادل ۱۰۴ سانتی متر

۲- معادل ۹۴/۷ سانتی متر

یک صد دینار روغن زیتون و سالانه هشت صد هزار ذراع حصیر مقررى دارد. (مقدسى، ۱۴۱۱، ج: ۱: ۲۳۹)

نقش تمدنی مسجد الاقصی و بیت المقدس در مناسبات داخلی جهان اسلام

در دوره اسلامی پس از فتح بیت المقدس توسط خلیفه دوم، نخستین خلفایی که به توسعه و آبادانی مسجد الاقصی و مسجد قبه الصخره همت گماشتند، عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶) و فرزندش ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶) در نیمه دوم قرن اول هجری می باشند، (مقدسى، ۱۴۱۱، ج: ۱: ۲۳۶) اما حمایت از بیت المقدس توسط امویان که به احتمال به ابزاری سیاسی در مواجهه با زبیران به واسطه تضعیف جایگاه مسجد الحرام و مسجد النبى در حجاز تبدیل شده بود به تدریج ابعادی تمدنی یافت به طوری که دولت های و ملل مسلمان علی رغم روابط خصمانه خود به دلیل باورمندی به موضوعات مشترکی چون مسجدالحرام و بیت المقدس حداقل در موارد متعددی به اصلاح مناسبات سیاسی و اجتماعی خود پرداختند، رویکردی که می توانست هر چه بیشتر به بارور شدن تمدن اسلامی کمک نماید. مهم ترین کارکردهای مسجدالاقصی در مناسبات داخلی جهان اسلام را می توان به اجمال در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. تعامل دولت مردان و ملت های مسلمان در نگهداری و توسعه حرم شریف: با وجود مناقشات فراگیر سیاسی و مذهبی دولت ها، سلسله ها، فرقه ها و ملل مسلمان اما تلاش دولت مردان و ملل مسلمان در تعمیر یا توسعه مسجدالاقصی و حرم شریف به سنت و رفتاری پسندیده تبدیل شده بود. به عنوان نمونه در سال ۹۰ هجری برخی از حکمرانان مصر کمک های شایانی را در تزیین و تجدید بنای حرم شریف صورت دادند. در پی زلزله هایی که در سال های ۱۳۰ و ۱۵۸ هجری در بیت المقدس رخ داده و خساراتی را در ابنیه حرم شریف به وجود آورد، برخی از بناهای حرم شریف از جمله مسجدالاقصی و مسجد قبه الصخره در سال ۱۶۹ و در عهد مهدی عباسی (۱۵۸-۱۶۹) همچنین، در سال ۲۱۶ هجری و توسط مأمون عباسی (۱۹۸-۲۱۸)، تجدید بنا و تعمیر شدند. (محمدحسن شراب، ۱۴۱۱: ۶۶) پس از زلزله سال ۴۰۷ هجری نیز، الظاهر لدین الله فاطمی که در تقابلی فراگیر با خلافت عباسی قرار داشت در سال ۴۱۳ اقداماتی را در جهت تعمیر و تجدید بنای مشاهد حرم شریف به انجام رسانید. (محمدحسن شراب، ۱۴۱۱: ۶۶) چه این که شبستان «جامع النساء» از آثار بجا مانده از خلفای شیعی فاطمی در حرم شریف، می باشد. (محمدحسن شراب، ۱۴۱۱: ۶۶)

علاوه بر وجود مشاهد انبیاء و نمادهای دینی، شهر بیت المقدس و به ویژه مسجدالاقصی مجموعه ای نفیس از میراث هنری، معماری، ادبی و آیینی مسلمانان است، چه این که مسلمانان حتی در زمانی که این شهر در اشغال صلیبیان قرار داشت، مقدمات بازسازی حرم شریف با بهترین و فاخر ترین مصالح و تزیینات هنری را تدارک می دیدند. مسلمان پس از بازپس گیری مسجد الاقصی، بازسازی، اصلاح و تزیین مسجد الاقصی را آغاز نمودند آنها تا این زمان سنگ های مرمرین و زیور آلات قسطنطنینی- ادوات معماری تزیینی رومی- که از مدتی قبل به امید به کاربردن آن در مسجد الاقصی جمع آوری و نگهداری می شد را به حرم آورده و در مسجد الاقصی به کار بردند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۱) منبر صلاح الدین، دیگر اثری بود که از انتظار دیرین مسلمانان برای ورود به مسجد الاقصی و شنیدن آموزه- های اسلامی حکایت می کرد. ساخت این منبر بیست سال قبل از فتح بیت المقدس در شهر حلب آغاز شده و هنرمندان متعددی چندین سال بر ساخت آن همت گماشته بودند. این منبر پس از فتح، در مسجدالاقصی نصب گردید. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۱؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۷۲)

۲. تلاش برای صیانت و احیای میراث و سنت های اسلامی: صیانت و دفاع از هویت و ساختار اسلامی شهر بیت المقدس و مسجدالاقصی نه تنها در سطح دولت مردان بلکه در سطح اجتماعی و عموم امت اسلامی نیز، زمینه ساز اتحاد، انسجام و تأکید بر آموزه های مشترک دینی و اسلامی بود، به طوری که مسلمانان پس از بازپس گیری مسجدالاقصی از صلیبیان در سال ۵۸۳ هجری، پیش از هر کاری، زدودن غبار مظلومیت از مسجدالاقصی و حرم شریف را وجهه همت خود ساخته و با ندای «الله اکبر» صلیب زرین را از فراز قبه الصخره فرود آوردند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۱-۵۵۰؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۷۲) از مهم ترین اقدامات مسلمانان در مسجدالاقصی به ویژه آن زمان که به اشغال آن توسط صلیبیون پایان می دادند احیای سنت ها، مراسم و آیین های اسلامی در حرم شریف بود، چه این که این موضوع مورد توجه سرداران نظامی نیز قرار می گرفت به طوری که به دستور صلاح الدین ایوبی (۵۶۷-۵۸۹) تلاش شد تا علاوه بر تمامی بناها و مشاهد، شعائر و آیین های اسلامی شهر نیز، به حال نخستین خود بازگردد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۱-۵۵۰) بر این اساس بود که از نخستین اقدامات فاتحان مسلمان، تعیین امام جماعت و واعظ برای مسجدالاقصی و اقامه نماز جماعت پنج گانه در حرم شریف بود. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۱-۵۵۰؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۷۲)

مسلمانان روز جمعه چهارم شعبان همان سال، نماز جمعه ای با شکوه به امامت «محمی الدین بن

الزکی» قاضی دمشق به جا آوردند که خطبه های آن تا مدتی ضرب المثل بلاغت و تاثیرگذاری بود، (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۷۲) ابن کثیر (متولد: ۷۷۴) قسمتی از این خطبه را در کتاب خود متذکر شده است. (ابن اثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۲: ۳۲۵) قرار دادن قرآن های بسیار در مسجد، تعیین قاریان قرآن مسجدالاقصی و اختصاص دادن مقرری برای آنها، (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۲؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۷۳) و ساخت مراکز همچون زاویه ها (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۳۲۰-۳۲۱) و مدارس چون: صالحیه -ناصریه- برای شافعی مذهببان، رباطی برای صوفیه^۱ (نعمی دمشقی، بی تا، ج ۱: ۲۵۱) مدرسه- ای برای حنفی مذهببان، خانقاهی برای درویشان و محلی برای رسیدگی به ایتام از دیگر تحولات صورت گرفته در بیت المقدس در این دوره بود. (عمری، ۱۴۲۳، ج ۳: ۵۴۴-۵۴۵؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۷۲) البته در این بین، اختلاط فرهنگی و مذهبی و گسترش یافتن بسیاری از نمادها و یادمان های اسطوره ای و عرفی، زمینه ساز بروز و ظهور نمادها و اسطوره ها و یادمان هایی شد که چندان به اعتبار تاریخی و علمی آنها نمی توان اعتماد نمود. به عنوان نمونه نقش سپر حمزه بن عبدالمطلب، عمومی گرامی پیامبر اسلام (ص) بر دو موضع از حرم شریف از مصادیق چنین نمادهایی دانسته خواهد شد. (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۴۷؛ ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۹۶)

۳. ترسیم معادلات فکری و فرهنگی جامعه اسلامی: سنجش عناصر فکری، فرهنگی و تمدن اسلامی از دیگر کارکردهای مسجدالاقصی هر چند در مقیاسی نه چندان وسیع، می باشد. چه این که بنا به گزارشاتی که کمتر می توان برای آن مدرکی روایی یافت قبه الصخره محل معراج پیامبر اسلام (ص) دانسته شده است. بر اساس این دسته از گزارش ها، رسول خدا (ص) در شب معراج پس از اقامه نماز در این معبد، صخره مقدس را لمس کرده و صخره که از جلالت رسول اسلام (ص) برخاسته بود به امر حضرت نیمه معلق باقی ماند. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۹۶) پس از فتح اسلامی نیز، عمر بن خطاب با راهنمایی کعب الاحبار بر موقعیت این صخره اطلاع یافته و پس از آنکه خود به تطهیر و پاکیزه کردن آن همت گماشت، مسجدی را بر آن بنا نهاد. (حمیری، ۱۹۸۱: ۶۹) به هنگام بنای مسجد، کعب الاحبار توصیه نمود که موضع صخره و ساختمان مسجد به گونه ای باشد که قبله حضرت موسی (ع) - صخره- و قبله حضرت محمد (ص) در یک سمت قرار گیرند! (حمیری، ۱۹۸۱: ۶۹) توجه حاکمان مسلمان بر صیانت از میراث تمدنی این شهر به گونه ای بود که حتی مشاهد غیر اسلامی نیز، مورد احترام قرار گرفته

۱ - مدرسه صالحیه پیش از آن مدفن «حنه» مادر حضرت مریم (س) بوده است.

و در مواردی با تدابیری زمینه منازعات بعدی نیز مرتفع می شد. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۶۳) قبه الصخره با مرور زمان اهمیت بیشتری می یافت به طوری که از اولین اقدامات صلاح الدین ایوبی (متولد: ۵۸۹) پس از فتح بیت المقدس در سال ۵۸۰ موفق به فتح بیت المقدس تجدید بنای مسجد قبه الصخره شد، ساختمانی که تا زمان گزارش ابن خلدون بدون تغییر باقی بوده است. (ابن خلدون ۱۳۳۶، ج ۲: ۷۰۱-۷۰۳) صلاح الدین پس از آن که پوشش مرمرین صخره که برای محافظت از دستبرد کشیشان ساخته شده بود را برداشت. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۲؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۷۲-۴۷۳) اقدام به تطهیر صخره با آب، گلاب و معطر ساختن آن با مشک نموده، (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۲: ۳۲۴) آثار و نمادهای مسیحیت را از مسجد قبه الصخره محو نموده (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۲) و مقرری و امامی را برای اقامه نماز جماعت در مسجد قبه الصخره تعیین کرد. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۲: ۳۲۶) از شواهد نقش مشاهد حرم شریف در سنجش مولفه‌ها و عناصر تمدنی، برتری یافتن مسجد قبه الصخره بر مسجد الاقصی در تقابل مسلمانان و مسیحیان می باشد به نحوی که در جنگ هایی که بین مسلمانان و صلیبیان در می گرفت، فتح مسجد قبه الصخره نشانه پیروزی نهایی دانسته می شد. ابن اثیر (متولد: ۶۳۰) باز پس گیری بیت المقدس توسط صلاح الدین در بیست و هفتم رجب سال ۵۸۳ را چنین توصیف می کند: «وقتی گروهی از مسلمانان خود را به صلیبی که بر فراز مسجد قبه الصخره بود رساندند و آن را سرنگون کردند و بر زمین افکندند، از تمام مردم داخل و خارج شهر، چه مسلمان و چه مسیحی، فریاد و غوغا برخاست. مسلمانان از شادی فریاد می کشیدند و «الله اکبر» می گفتند. اما فرنگیان از سر درد و اندوه و ماتم، فغان بر می آوردند. فریاد و هیاهوی مردم چنان بلند و سخت بود که نزدیک بود زمین را به لرزه در آورد.» (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۲) این برتری در مواردی که تقابل بین خود مسلمانان بود اهمیتی دو چندان می یافت از جمله این موارد سرکوب اعتراض اهالی بیت المقدس توسط یکی از سرداران سلجوقی به نام «اتسز» در سال چهارصد و شصت و نه می باشد در این واقعه، وی به جهت خشمی که از ساکنان بیت المقدس به دل گرفته بود، تنها پناه جویان به قبه الصخره را امان داده و سایر اهالی و حتی پناهندگان به محراب داود (ع) و مسجد الاقصی را نیز به قتل رسانید. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۲۸۳؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۷۲-۴۷۳)

۴. تولید مسجد الاقصی ملاک مشروعیت سیاسی دولت مردان: در مقاطع مختلف تاریخ اسلام، تولید یا حاکمیت بر حرمین در حجاز و مسجد الاقصی در بیت المقدس و یا حداقل به رسمیت شناخته

شدن دولت ها در این قلمروها بیانگر مشروعیت و صلاحیت دولت مردان و حتی خلفاء برای زعامت مسلمین دانسته می شد. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۶: ۲۵۰) از این رو، با وجود انتقال پایتخت از مدینه به کوفه، دمشق و بغداد، اما جایگاه اجتماعی و سیاسی سه شهر مکه، مدینه و بیت المقدس همچنان مؤثر بر مشروعیت و مقبولیت خلفاء بوده و خطبه خواندن به نام هریک از مدعیان خلافت و سلطنت نقش تعیین کننده‌ای در تحولات سیاسی جهان اسلام داشت لذا، در سده های نخستین خلفاء با تهدید و سلطه نظامی و در مقاطع بعدی با امتیاز دادن به بزرگان و حاکمان محلی سعی در جلب حمایت این سه شهر می نمودند. البته در مقاطعی نیز، برخی از مدعیان نوظهور به خواست یا علیرغم خواست اهالی، این شهرها را مقر حکومت خود می ساختند، چنانکه عبدالله بن زبیر شهر مکه را پایتخت خود ساخته و پس از آن مدینه را نیز، به تصرف خود در آورد و سعی نمود حتی در آخرین ساعات عمر خود از جایگاه معنوی و سیاسی مسجدالحرام بهره گیرد. رویکردی که چندی قبل از آن امام حسین بن علی (ع) به شدت از آن اجتناب می نمود.

در قرون بعدی نیز، سلطه سیاسی بر بیت المقدس و حرم شریف دولت مردان اسلامی را به تقابلی فراگیر وامی داشت. از مصادیق تلاش متقابل مدعیان خلافت برای سلطه بر بیت المقدس و عهده داری تولیت مسجدالاقصی، لشکرکشی سپاهیان خلافت فاطمی مصر به فرماندهی افضل بن بدر الجمالی (متولد: ۵۱۵) به بیت المقدس در سال ۴۹۱ می باشد که در جریان آن، بیش از چهل منجنیق بر شهر نصب شده و سقمان و ایلغازی فرزندان ارتق سلجوقی (متولد: ۴۸۴) که از حاکمان وابسته به خلافت عباسی بودند، از شهر اخراج شدند، (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۸۳؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۵) اما چیزی نگذشت تا این که صلیبیان مقدمات ائتلاف و لشکرکشی بزرگی را به مرزهای غربی جهان اسلام با هدف اشغال بیت المقدس فراهم می نمودند. آنها در سال ۴۹۲ هجری پس از آنکه مدتی شهر را محاصره نموده و دو برج برای ورود به شهر نصب نمودند، توانستند شهر را به تصرف خود درآورده و پس از ورود به شهر به مدت یک هفته اقدام به قتل عام مسلمانان نمایند، ابن اثیر (متولد: ۶۳۰) تعداد کشته شدگان این واقعه در حرم شریف را هفتاد هزار نفر بر شمرده است. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۸۳؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۵)

۵. سنجش سطح باورمندی دولت ها و ملل مسلمان به تعالیم و شعائر اسلامی: مسجدالاقصی در دیرباز دارای کارکرد فوق بوده است. چه این که با مراجعه به منابع اسلامی می توان موارد زیر را از مصادیق چنین کارکردی دانست:

- آزموده شدن مسلمانان نخستین بواسطه تردید در اسراء پیامبر اسلام (ص) از مسجدالحرام به مسجدالاقصی، (ابن اثیر ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۰۶؛ ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۳۹۸-۳۹۹؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۶)
- سرزنش شدن مسلمانان توسط یهودیان مدینه به دلیل قبله ساختن قبله گاه یهودیان (بقره: ۱۴۴)

پس از بروز و ظهور تهدیدهای دولت های مسیحی برای بیت المقدس، مسجدالاقصی در نقشی دیگر به عنوان میدان آزمون و امتحان برای مدعیان زعامت و رهبری جهان اسلام تبدیل شد، به طوری که سرداران و آزادکنندگان مسجدالاقصی علی رغم وجود نقاط تاریکی در زندگی سیاسی شان به مجاهدان و فرماندهان شایسته جهان اسلام شناخته می شدند و در مقابل کسانی که از این وظیفه شانه خالی کرده بودند، مورد سرزنش قرار می گرفتند. به عنوان نمونه، موفقیت صلاح الدین ایوبی در بیرون راندن صلیبیان از بیت المقدس موجب شد تا نقش وی در منقرض کردن خلافت فاطمی و از بین بردن میراث غنی علمی و تمدنی مصر مورد چشم پوشی واقع شود و یا برخی از خلفای عباسی به دلیل کوتاهی در حفاظت از مسجدالاقصی مورد سرزنش قرار گیرند. ابن اثیر (متولد: ۶۳۰) و ابن خلدون (متولد: ۸۰۸) پس از گزارش چگونگی اشغال بیت المقدس توسط صلیبیان از دادخواهی گروهی از نجات یافتگان بیت المقدس و سایر اهالی شام از خلیفه عباسی حکایت می کند. آنها با حالت عزا و مصیبت در بغداد بر المستظهر بالله عباسی (۴۸۷-۵۱۲) وارد شدند. خلیفه آنها را به امراء سلجوقی ارجاع داده و در نهایت اقدامی صورت نگرفت. این گروه پس از نا امیدی از کمک خلیفه، به شام بازگشتند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲۳: ۲۶۰؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۵)

۶. مسجدالاقصی بستر رقابت های فکری، اجتماعی و سیاسی: گرچه منابع اسلامی، مساجد را دارای مراتب متفاوتی در اهمیت و ارزشمندی دانسته اند اما برداشت های متفاوتی از این مراتب باعث شده تا مسجدالاقصی در برخی از منابع، پس از مسجدالحرام و مسجدالنبی و یا پس از مسجد جامع کوفه در مرتبه چهارم (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۲۱؛ الثقفی، بی تا، ج ۲: ۸۰۲؛ عیاشی، بی تا، ج ۳: ۳۲۹؛ بهجت،

۱۴۲۶، ج: ۱، ۵۶۹) و بر اساس گروهی دیگر از منابع و البته در بحث اعتکاف بعد از مسجد جامع بصره در مرتبه پنجم قرار گیرد. (عاملی، بی تا، ۱۹۳) با این وجود و در بستر اجتماعی، مسجدالحرام، مسجدالنبی و مسجدالاقصی در کانون توجه امت اسلامی قرار داشت. البته ممکن است عوامل سیاسی و اجتماعی نیز، بر شکل گیری این ترتیب تاثیرگذار بوده باشد. به عنوان نمونه با سلطه عبدالله بن زبیر بر مسجد الحرام و پس از آن مسجد النبی، خلفاء اموی سعی وافری در معطوف کردن نظر جامعه اسلامی به مسجدالاقصی نمودند. در این راستا، فضایل مسجدالاقصی بیش از هر زمان دیگر مورد تاکید خلافت اموی و سایر وابستگان خلافت قرار گرفت، به طوری که در مقاطعی توصیه به زیارت مسجدالاقصی به جای انجام مناسک حج برای جلوگیری از تحت تاثیر قرار گرفتن حج گزاران از دعوت زبیریان از سیاست های مبلغان دینی وابسته به خلافت اموی بود. بر این اساس، برخی با تحلیل این بسترها، بسیاری از فضایل و مناقب مسجدالاقصی را مورد نقد قرار داده اند. (ابوری، بی تا، ۱۶۸) علاوه بر بستر پیش گفته اهتمام اهل کتابی که در زمره مسلمانان در آمده بودند نیز، بستر ساز فضیلت نویسی برای بیت المقدس و مسجدالاقصی شد. فضائلی که دارای ابعاد مختلف معرفتی بود. در این گونه گزاره ها که بعضا توسط تازه مسلمانانی چون کعب الاحبار نقل شده، آمده است: بهشت در آسمان هفتم و محازات بیت المقدس و صخره واقع شده، (محمدحسن شراب، ۱۴۱۱، ۸۴) سر و صورت حضرت آدم(ع) از خاک کعبه و بدن او از بیت المقدس خلق شده، (فتال نیسابوری، بی تا، ۶۴۷) بیت المقدس افضل از مکه و مسجدالاقصی افضل از کعبه، (صالحی الشامی، ۱۴۱۴، ج: ۳، ۱۱۲) و مسجدالنبی است، در شب های عرفه چاه زمزم به نزد چاه ایوب در بیت المقدس می آید، این شهر، مدفن انبیائی چون: ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف است. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج: ۵، ۱۶۶) کراهت استدبار و استقبال بیت المقدس به هنگام تخی، دجال ممنوع از ورود به بیت المقدس بوده و در این شهر توسط حضرت عیسی(ع) کشته خواهد شد، (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج: ۲، ۱۸۸-۱۸۹؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج: ۵، ۱۶۷؛ صالحی الشامی، ۱۴۱۴، ج: ۳، ۱۱۰) این شهر محل خیمه موسی(ع) و حشر و نشر و میزان و صراط بوده (فتال نیسابوری، بی تا، ۶۴۷) و نزدیک ترین جای زمین به آسمان است و شایسته نیست که زاد و راحله ای آماده شود، مگر برای زیارت مسجدالحرام، مسجدالنبی و این مسجد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج: ۵، ۱۶۶؛ سرخسی، ۱۴۰۶، ج: ۳، ۱۱۵) در این میان، روایات اهل بیت(ع) به نوعی فرضیه حجیم سازی فضایل مسجدالاقصی را قوت می بخشد. چه این که در روایتی امام علی(ع) کسانی که

قصد درک فضایل مسجدالاقصی در بیت المقدس را نموده بودند را از سفر به بیت المقدس منصرف ساخته و به مؤانست با مسجد جامع کوفه و بهره‌مندی از آن، توصیه نموده‌اند. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۲۱؛ الثقفی، بی تا، ج ۲: ۸۰۲) در روایاتی دیگر فضیلت مسجد جامع کوفه پس از مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) و برتر از مسجد الاقصی تعیین شده است. (عیاشی، بی تا، ج ۳: ۳۲۹)

نقش تمدنی مسجدالاقصی در مناسبات خارجی جهان اسلام

مسجدالاقصی به دلیل هویت دینی، تاریخی و تمدنی خود مورد ادعای ادیان، اقوام و ملیت‌هایی بود که در موارد متعددی ورود دولت مردان این مناسبات را در قالب‌های سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی سامان می‌داد، چه این که در بسیاری از موارد سقوط و تصرف بیت المقدس توسط یکی از ادیان یا ملیت‌های پیش گفته از بین بردن آثار تاریخی، تمدنی و دینی مغلوبین را در پی داشت. چنانچه یهودیان پس از قدرت یافتن در بیت المقدس صلیب و محل به صلیب کشیده شدن مسیح را محل ریختن زباله و نجاسات کردند. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۶۷) مسیحیان نیز، پس از ورود «هلنا» مادر امپراطور تازه مسیحی شده به بیت المقدس، همین رفتار را با قبله گاه یهودیان، روا داشتند. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۶۷) تقابل مسیحیان و یهودیان با تدابیری به عصر اسلامی نیز، منتقل شده و در مواردی مسلمانان خواسته یا ناخواسته وارد منازعات فراگیر و مستمر تاریخی می‌شدند. گزارش ابن خلدون به یکی از این موارد چنین تصریح می‌کند که کشیش مسیحیان بیت المقدس، پس از آنکه خلیفه دوم از او خواست که محلی را برای ساختن مسجد پیشنهاد دهد، خلیفه را به ساخت مسجد بر محل قبه الصخره که مورد احترام یهودیان بود، ترغیب نمود. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۶۳) این پیشنهاد را می‌توان طرحتی در جهت زدودن آثار یهود از بیت المقدس یا درگیر نمودن مسلمانان یا یهودیان دانست. در سال‌های بعد نیز، پس از ورود صلیبیون به بیت المقدس، دگر باره شاهد و میراث حرم شریف دچار دگرگونی شده (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۲: ۷۰۱-۷۰۳) و تا سال ۵۸۳ هجری، قریب به یک قرن به طول انجامید تا مسلمانان توانستند بار دیگر بیت المقدس، مسجدالاقصی و مسجد قبه الصخره را به جهان اسلام برگردانند. در این مدت علاوه بر شاهد و میراث حرم شریف، بلکه مناسک و مراسم مرتبط نیز، دچار تحول و دگرگونی شد. از جمله این تغییرات مستور نمودن صخره مقدس با سنگ مرمر بود. علت این کار سودجویی متولیان حرم بود چراکه آنها سنگ‌های صخره را به وزن طلا و به عنوان تبرک به زائران مسیحی

می فروختند، این اقدام که طبعا مورد اقبال متولیان و زایران از شهرهای دور واقع شده بود، باعث شد که یکی از امراء و دولت مردان مسیحی، تبرک فروشی کشیشان را تهدیدی جدی برای بقای تاریخی صخره دانسته و در صدد پوشاندن آن با سنگ های مرمرین برآید. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۲؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۷۲-۴۷۲؛ محمدحسن شراب، ۱۴۱۱، ۶۶) سنت تبرک فروشی متولیان مسجدالاقصی پیامد دیگری نیز به دنبال داشت و آن نوعی نماد تراشی در سایر بلاد مسیحی نشین بود. تقدس سنگ های جدا شده از صخره باعث شده بود که برخی از زایران مسیحی پس از بازگشت به دیار خود، به احترام این سنگ ها کلیسایی ساخته و آنها را در قربانگاه نصب نمایند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۲؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۷۲-۴۷۳) تکه های صخره به شهرهایی چون صقلیه در اندلس و قسطنطنیه برده شده و نگهداری می شد. (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۴۱: ۲۷) این شروع همان فرایندی بود که بنا به نقلی شروع بت پرستی در حجاز دانسته می شد. از دیگر اقدامات آنها تخریب مسجد قبه الصخره و بنا نهادن کلیسایی با قربانگاه و تصاویری از آموزه های مسیحی، بود (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۴۱: ۲۷) آنها با نصب صلیبی زرین بر قبه الصخره، بر هویت مسیحی حرم شریف و مسجدالاقصی تاکید نموده بودند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۲؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۷۲) این در حالی بود که در قرون نخستین اسلامی، مسجدالاقصی و مجموعه حرم شریف، توانسته بود نقش سازنده ای در روابط و مناسبات بین-الادیانی ایفا نماید. چه این که خلیفه دوم با توصیه برخی از صحابه پیامبر (ص) خود شخصا برای مذاکره صلح و تضمین آن به بیت المقدس سفر کرده و رفتار احترام آمیزی را در روابط مسلمانان و مسیحیان بنیان گذاشته بود. نتیجه مستقیم این رویکرد استقبال روحانیون مسیحی و بزرگان شهر از خلیفه و تعامل سازنده با وی بود. چه این که خلیفه دوم پس از ورود به بیت المقدس و ملاقات با بزرگ مسیحیان این شهر، اولاً: از وی در مورد مشاهد و آثار انبیاء گذشته سوال نموده و پس از اطلاع از آن، شخصا به تطهیر و تعظیم آن همت گماشت. ثانیاً: علی رغم دعوت کشیش بیت المقدس از خلیفه برای اقامه نماز در مهم ترین کلیسای شهر، خلیفه از پذیرفتن درخواست وی امتناع کرده و در سکویی بیرون از کلیسا نماز گزارده و مسلمانان را از اقامه اذان و نماز جماعت در آن سکو منع نمود و در تعلیل تصریح کرده بود که نباید نماز خواندن در این مکان به سنتی تفرقه انگیز در میان مسلمانان و مسیحیان تبدیل شود. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۶۳)

در قرون بعدی نیز بیت المقدس، موضوع برخی از مناسبات فرهنگی و تمدنی حکومت‌های اسلامی و مسیحی بوده است به عنوان نمونه ولید بن عبدالملک (متولد: ۹۶) بر توسعه و تزین مسجد قبه الصخره همت گماشته و از امپراتور روم خواست تا کارگران و مصالح لازم جهت این امر را به بیت المقدس گسیل دارد. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۲: ۷۰۱-۷۰۳) به کار رفتن هشت هزار قطعه مس زراندود شده در گنبد و هزار مثقال طلا در سرتون های مسجد قبه الصخره از تزیناتی است که در دوره عبدالملک صورت گرفته است، (حمیری، ۱۹۸۱، ۶۹) تزیناتی که هر چند تناسب چندانی با توصیه‌های اسلامی در ساخت مساجد نداشت اما می‌توان آن را الگویی و شاهکار بزرگ ترین هنرمندان و معماران آن دوره دانست.

حاکمیت رویکرد تعامل فرهنگی و تمدنی علی رغم تعارض در عرصه سیاسی که تا حدود قابل توجهی توسط مسلمانان رعایت می شد، چندان مورد استقبال مسیحیان قرار نمی‌گرفت، به طوری که پس از اشغال بیت المقدس توسط صلیبیان، تغییرات بنیادینی در مسجدالاقصی ایجاد نمودند به نحوی که طایفه «داویه» در قسمت غربی مسجدالاقصی اقامتگاه‌هایی را برای خود ساخته و حتی ملحقاتی چون انبار غله، دستشویی و... را نیز، برای آن بنا نموده بودند. آنها در تجاوزی دیگر برخی از قسمت های مسجدالاقصی را در ساختمان‌های خود داخل کرده و قسمت‌هایی از فضای مسجد را اشغال کرده بودند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۲: ۳۲۴؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۷۲) البته از این موضوع هم، نباید غفلت نمود که مشاهد و میراث تمدنی مسجدالاقصی و بیت المقدس در مقاطعی نیز، به ابزار فشار در مناسبات و منازعات تبدیل می شد چه این که چندی بعد و در اثناء جنگ های صلیبی مشاهد و میراث تمدنی مسجدالاقصی و حرم شریف به حربه‌ای برای صلیبیان تبدیل شده بود، به طوری که در سال ۵۸۳ هجری «بالبان» رهبر مسیحیان بیت المقدس، پس از آن که پیروزی سپاهیان مسلمان را قریب الوقوع دانست، مسلمانان را تهدید به تخریب بیت المقدس و تمامی آثار و مشاهد تاریخی و تمدنی شهر نمود (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۴۹) و این ترفندی بود که مشاوران صلاح الدین ایوبی را واداشت تا وی را با وجود یادآوری توهین به مسجدالاقصی و قتل عام هزاران مسلمان در بیت المقدس (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۲: ۳۲۴) و با وجود برتری نظامی از ادامه جنگ بازدارند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۴۹) صلاح الدین در مقاطعی نیز، که به دلیل احساسات فردی یا مذهبی تصمیم داشت، یکی از انگیزه‌های مسیحیان برای تسلط بر بیت المقدس را که کلیسای قمامه بود از بین ببرد با مخالفت

مشاوران خود و بزرگان مسلمان مواجه شده و از این تصمیم منصرف شد. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۲: ۳۲۷) او تنها به زدودن نقش ها و تصاویری که بر در و دیوار حرم شریف نقش بسته و اصلاح قسمت هایی که دستخوش تغییر و تخریب واقع شده بود پرداخت. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۵۱)

نتیجه گیری

مراکز و نهادهای مشترک بینادیانی و بینامذهبی نقش مهمی در برقراری روابط و مناسبات گسترده فرهنگی و تمدنی دارند، چه اینکه حتی در سخت ترین تقابل های سیاسی خلفای مسلمین و امپراطوران مسیحی مانند آنچه که در قالب جنگ های صلیبی رخ داده است اما مسجدالاقصی به عنوان میراث مشترک مورد احترام متخاصمین بوده و هرچند با فراز و نشیب هایی هر دو گروه از جامعه دینی را به سمت و سوی تمدنی دینی ناظر به حیات مادی و معنوی سوق می داده است، از این رو، گرچه مسجدالاقصی نقطه اوج و شروع تقابل سهمگین سیاسی بین دولت مردان اسلامی و یا اسلامی و مسیحی بوده است اما در کارکردی عمومی و بلند مدت ترسیم کننده ترتب زمانی ادیان و در بردارنده میراث مشترک فرهنگی و تمدنی ادیان الهی بوده است، میراثی که اگر نبود اهداف سیاسی و رویکردهای ابزاری به مباحث تمدنی، می توانست به عنوان مدلی جامع در همزیستی و تعامل فرهنگ ها و تمدن های الهی مطرح شده و جوامع و تمدن های الهی را از تقابل های فرصت سوز منصرف ساخته و در جهت مواجهه با تمدن های مادی و غیر الهی متلف سازد.

کتابنامه

- الثقفی، ابراهیم بن محمد (بی تا). الغارات، تحقیق السید جلال الدین الحسینی الأرموی المحدث، تهران، انجمن آثار علمی، ج ۲.
- ابن ابی حاتم، رازی (۱۴۱۲). تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارصادر، ج ۲.
- ابن ادريس الحلبي (۱۴۰۹). المنتخب من تفسیر القرآن والنکت المستخرجة من کتاب التبیان، تحقیق السید مهدی الرجائی، قم، مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابن اعثم الکوفی (۱۴۱۱). الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء.
- ابن الأثیر (۱۴۰۹). أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دارالفکر.
- (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر- داربیروت.
- ابن بطوطه (۱۳۷۶). رحله ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران، آگه.

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳). العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ابن کثیر (۱۴۰۷). البداية والنهاية، بيروت، دارالفکر.

ابن هشام (بی تا). السيرة النبوية، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفة.

امینی، هادی (۱۳۷۲). «شرافت کعبه و برتری آن بر بیت المقدس»، مجله میقات حج، ترجمه محسن آخوندی، تابستان، شماره ۴، ص ۱۶۴-۱۵۳.

بهجت، محمد تقی (۱۴۲۶). جامع المسائل، قم، دفتر معظم له، ج ۱.

پاک نیا تبریزی، عبدالکریم (۱۴۳۳). «علمای شیعه و دفاع از قدس شریف»، نشریه مبلغان، شماره ۱۵۵، ص ۱۶۴-۱۴۹.

الثعلبی، أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم (۱۴۲۲). الكشف والبيان عن تفسير القرآن، تحقیق الإمام أبي محمد بن عاشور، بیروت، دار إحياء التراث العربي.

حبیبی، فاطمه (۱۳۸۷). مسجد الاقصی و جایگاه آن در قرآن و روایات (پایان نامه)، دانشکده اصول الدین قم، مقطع کارشناسی ارشد.

العسکری (ع)، حسن بن علی (۱۴۰۹). التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، قم، مدرسه امام مهدی.

حسینی شیرازی، محمد (۱۳۸۷). قدس شریف و مسجد الاقصی، قم، یاس زهرا.

حمیری، محمد بن عبد المنعم (۱۹۸۴). الروض المعطار فی خبر الاقطار، بیروت، مکتبه لبنان.

ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی.

رهبریان، مینا (۱۳۸۲). «مسجد الاقصی در گذرگاه تاریخ»، نشریه مسجد، مرداد و شهریور، شماره ۶۹، ص ۷۲-۵۹.

سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۰۶). المبسوط، بیروت، دارالمعرفة.

شاه حسینی، محمد رضا (۱۳۸۸). شهر مقدس، تهران، به اندیشان.

شهاب الدین احمد بن یحیی العمري (۱۴۲۳). مسالك الابصار فی ممالك الامصار، ابوظبی، المجمع الثقافی.

شبیانی محمد بن حسن (۱۴۱۳). نهج البیان عن كشف معانی القرآن، تحقیق حسین درگاهی، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

صالحی الشامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴). سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة.

- طبرسی فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- (۱۴۲۱). تفسیر جوامع الجامع، تحقیق مؤسسة النشر الإسلامي، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- طبري محمد بن جرير (۱۴۱۵). جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق الشیخ خلیل المیس، بیروت، دارالفکر.
- طوسي، محمد بن حسن (۱۴۰۹). التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق وتصحیح أحمد حبیب قصیر العاملي، قم، مطبعة مكتب الإعلام الإسلامي.
- طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام. عاملی، محمد بن مکی (بی تا). رسائل الشہید الأول، بی جا، بی نا.
- علی نقیان، حسین (۱۳۸۸). «تاریخ معماری مسجد الاقصی»، نشریه کتاب های اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۳۸، ص ۳۱-۴۵.
- ابن فضل الله عمری، احمد بن یحیی (بی تا). مسالک الابصار فی ممالک الامصار، قم، بی نا.
- عباشی، محمد بن مسعود (بی تا). تفسیر العیاشی، تحقیق السید هاشم الرسولي المحلاتي، طهران، المكتبة العلمية الإسلامية.
- غوشه موسی، محمد هاشم (۱۳۹۰). تاریخ مجموعه مسجد الاقصی، قم، ادیان.
- قتال النیسابوری (بی تا). روضة الواعظین، تقدیم السید محمد مهدی السید حسن الخراسان، قم، منشورات الشریف الرضی.
- فیض کاشانی ملا محسن (۱۴۱۸). الأصفی فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد حسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- (۱۴۱۵). تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیر کبیر.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷). تفسیر القمی، تحقیق السید طیب الموسوي الجزائري، نجف، منشورات مكتبة الهدی.
- کلینی (۱۳۶۲). الکافی، تصحیح علی أكبر الغفاري، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- ماجرأجو، محسن (۱۳۸۹). پیامبران در مسجد الاقصی، قم، اصباح.
- سیوطی (۱۴۱۶). تفسیر الجلالین، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات.
- محمد حسن شراب، محمد (۱۴۱۱). المعالم الأثرية فی السنة و السيرة، دمشق، دارالقلم.
- محمد حسن شراب، محمد (۱۴۱۵). بیت المقدس و مسجد الاقصی درآسه تاریخیه موثقه، دمشق، دارالقلم.
- محمود، أبوریة (بی تا). أضواء علی السنة المحمدية، بی جا، نشر البطحاء.

مشهدی محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

معصومی، علی (۱۳۸۰). بیت المقدس و مسجدالاقصى، تهران، نشر محراب.

سلیمان، مقاتل بن (۱۴۲۳). تفسیر، تحقیق عبد الله محمود شحاته، بیروت، دار إحياء التراث.

مقدسی، محمد بن أحمد (۱۴۱۱). أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، قاهره، مكتبة مدبولی.

المقريزي، تقی الدین علی بن عبدالقادر (۱۴۱۸). المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، بیروت، دارالكتب العلمية.

توئمی منصوری، امیر حسین (۱۳۸۵). «تقدس بیت المقدس در اسلام»، مجله پانزده خرداد، شماره ۳۷ و ۳۶، ص ۲۸۲-۲۹۶.

قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۸۱). سفر نامه ناصر خسرو، تهران، انتشارات زوار.

نعیمی الدمشقی، عبدالقادر بن محمد (بی تا). الدارس فی تاریخ المدارس، دمشق، بی نا.

هروی، علی بن ابی بکر (۱۴۲۳۹). الاشارات الی معرفة الزیارات، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية.

الحمومی بغدادی، یاقوت (۱۹۹۵). معجم البلدان، بیروت، دارصادر.